

بررسی و تحلیل موازنه جمعیتی در مناطق کشور با رویکرد آمایشی

(نمونه موردی: استان آذربایجان شرقی ۱۳۸۵-۱۳۵۵)

نادر زالی*

استادیار گروه شهرسازی دانشگاه گیلان

(تاریخ دریافت: ۹۱/۰۵/۲۷؛ تاریخ تصویب: ۹۱/۱۰/۱۴)

چکیده

موضوع مهاجرت و پیامدهای آن در سال‌های اخیر به عنوان یکی از مسایل مهم اجتماعی در کشور مطرح گردیده و مدیران اجرایی را با چالش جدی مواجه ساخته است. در تمام سرشماری‌های رسمی کشور، استان آذربایجان شرقی مهاجرپرست‌ترین استان کشور بوده است. با توجه به اهمیت و ضرورت شناخت ویژگی‌های مهاجرت در استان‌ها و کشور از یک طرف و مهاجرپرست‌ترین استان بودن آذربایجان شرقی در چند دهه اخیر سرشماری از طرف دیگر، این مقاله به بررسی و تحلیل رفتار مهاجرتی درون و برون ناحیه‌ای استان آذربایجان شرقی در سه دهه اخیر پرداخته است. روش تحقیق توصیفی و تحلیلی و جامعه آماری استان آذربایجان شرقی است. با عنایت به ماهیت موضوع نمونه آماری شامل کل جامعه آماری مهاجران، ابزار گردآوری داده‌ها سایت مرکز آمار ایران و روش تجزیه و تحلیل نیز آمار توصیفی است. نتایج حاکی است پیوند جمعیتی استان آذربایجان شرقی عمدتاً با استان‌های همجوار و استان تهران می‌باشد. مبدا عمده مهاجران وارد شده به استان از استان‌های تهران، آذربایجان غربی، کردستان، خوزستان و اردبیل می‌باشد که بیش از ۷۰ درصد مبدا مهاجران به استان را شامل می‌شوند. مقصد عمده مهاجران خارج شده از استان نیز تهران، آذربایجان غربی، قم، اردبیل و خوزستان می‌باشد که بیش از ۸۰ درصد را شامل می‌شود. در درون استان نیز مبدا عمده مهاجران شهرستان‌های تبریز، اهر، مراغه و مرند با بیش از ۵۰ درصد از کل مهاجران خارج شده و مقصد عمده مهاجران وارد شده، شهرستان‌های تبریز، مراغه، مرند و بناب با بیش از ۶۶ درصد می‌باشد. تحلیل نتایج نشان می‌دهد تبادل جمعیت عمدتاً با چند شهر محدود که از نظر امکانات و خدمات در سطح برتری قرار دارند صورت می‌گیرد.

واژگان کلیدی

مهاجرت، آذربایجان شرقی، مبدأ - مقصد، مهاجرت بین ناحیه‌ای، موازنه جمعیتی.

مقدمه

مهاجرت یکی از پدیده‌های اجتماعی است که از بدو شکل‌گیری جوامع وجود داشته و انسان‌ها همواره برای یافتن منابع بهتر و داشتن شرایط زیستی مناسب‌تر از جایی به جایی دیگر مهاجرت می‌کردند و چه بسا در اثر پدیده مهاجرت و انگیزه‌های آن اکتشافات و پیشرفت‌های زیادی نیز در زندگی بشر صورت گرفته است. مهاجرت در مفهوم کلی خود جزو مکمل تاریخ انسان است. از کوچ مداوم قبایل عشایری تا تحرک نیروی کار در جوامع صنعتی امروز جستجو برای زیستگاه جدید، تحرک جغرافیایی جمعیت را موضوع مطالعه جغرافی‌دانان، جامعه‌شناسان و برنامه‌ریزان قرار داده است (تقوی، ۱۳۸۳، ص ۲۲).

انسان اولیه به دلایل مختلف از جمله بهبود بخشیدن به وضعیت زندگی، حس تنوع‌طلبی، اجبار عوامل سیاسی، امنیت و غیره به تغییر محل سکونت خود می‌پرداخته است. این جابه‌جایی‌ها با آنچه امروز تحقق می‌یابد کاملاً متفاوت است. از آنجایی که در گذشته رشد جمعیت و در نتیجه جابه‌جایی انسان‌ها در مقیاس بسیار کوچک‌تری صورت می‌گرفت، تأثیر این جابه‌جایی‌ها بر ساختار اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی مناطق مهاجر فرست و مناطق مهاجرپذیر چندان قابل ملاحظه نبوده و حتی امری کاملاً طبیعی و بعضاً مفید تلقی می‌شد. اما در سال‌های اخیر موضوع مهاجرت به عنوان یکی از مسایل مهم اجتماعی شهرها، از دغدغه‌های اصلی برنامه‌ریزان و مدیران شهرها بوده و پیامدهای منفی آن بر مبدأ و مقصد و به خصوص برپیکره شهرهای بزرگ اهمیت بررسی و ریشه‌یابی پیوندهای اصلی مبدأ و مقصد مهاجران را ضروری ساخته است.

بنابراین، مهاجرت تحت عنوان یک فرایند می‌تواند ناشی از تنگ‌ناهایی باشد که قسمتی از آن به ویژگی‌های وضعیت محلی و قسمتی دیگر با فرصت‌های شغلی و تسهیلات آموزشی بهداشتی که مراکز شهری عرضه می‌دارند، بستگی داشته باشد، خانوارهای روستایی به دنبال کاهش و یا افزایش درآمد خویش به تبعیت از وابستگی اقتصادی و سیاسی روستا به شهر و نیز آگاهی از فرصت‌های شغلی موجود در شهرها به همراه برخورداری و استفاده سریع‌تر از این تسهیلات رفاهی و معیشتی با توجه به دوری و

نزدیکی روستاها به مراکز شهری به سوی این کانون‌ها مهاجرت کرده و عموماً با دست‌یابی به رفاه اجتماعی نسبی برای همیشه در این سکونت‌گاه‌ها ماندگار می‌شوند (سجادی، ۱۳۹۰، ص ۷۸).

مهاجرت داخلی یک فرایند مهم در بسیاری از کشورهاست که عکس‌العمل مردم نسبت به عواملی نظیر نابرابری‌های اقتصادی منطقه‌ای، ناکامی اجتماعی و عدم رضایت در بسیاری از جنبه‌های زندگی را منعکس می‌کند. مهاجرت شدید که قریب به ۳۰۰ سال پیش در جوامع اروپایی آغاز شده بود در کشورهای در حال توسعه در ارتباط مستقیم با برنامه‌های عمرانی در دهه ۱۹۶۰ شکل گرفت (لوکاس، ۱۳۸۱، ص ۱۵۶ - ۱۶۳). شکل غالب مهاجرت که در این سال‌ها بیش‌تر روستا - شهری بود موجب متورم شدن سریع شهرها شد که خود پیامدهای بی‌شماری را به دنبال داشت، رکود در مناطق غیر شهری، شلوغی بیش از حد شهرها، خدمات اجتماعی نامناسب، افزایش انحرافات و جرایم، پایین آمدن کیفیت محیط زیست، کمبود امکانات بهداشتی و آب آشامیدنی سالم از جمله آثاری است که مهاجرت از خود بر جای گذاشت (خاکپور، ۱۳۹۰).

تأثیرات منفی و مخرب مهاجرت بر توسعه شهری در مناطق جهان سوم مبهوت‌کننده بود، بعضی از این جوامع با اتخاذ سیاست‌هایی خاص مانند قوانین اجباری و ایجاد امکانات در مراکز روستایی و تبدیل آنها به شهرهای کوچک، مهاجرت داخلی خود را کنترل نموده و مانع از رشد شدید نقاط شهری شدند (وثوقی، ۱۳۶۶، ص ۵۸). در کشور ما مهاجرت شدید به دنبال اصلاحات ارضی که با سه هدف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در برنامه عمرانی سوم (۱۳۴۲ - ۱۳۴۶) مورد توجه قرار گرفته بود پدیدار شد (مشهدی‌زاده، ۱۳۷۳، ص ۷۵). بدین ترتیب، در دهه ۴۵ و ۵۵ خیل عظیمی از روستاییان به مناطق شهری مهاجرت کردند. این مهاجران دو دسته بودند که هر دو به نوعی تأثیر منفی بر توسعه اقتصادی - اجتماعی شهرها بر جای گذاشتند.

دسته اول: کارگران، زارعان خرده پا یا دهقانان فقیری بودند که به امید کارمایی و جهت تأمین معیشت خود راهی شهرها شدند، پیامدهایی که این دسته از مهاجران بر جای گذاشتند حاشیه‌نشینی، بیکاری، ناهنجاری‌های اجتماعی در شهرها و افزایش فقر، بروز

مشکلات بهداشتی، خدمات رفاهی، و اشتغال کاذب بود.

دسته دوم: سرمایه دارانی که با گرفتن غرامت اصلاحاتی ارضی از دولت وارد شهرها شدند، اما به جای سرمایه‌گذاری در تولیدات و صنایع به سوداگری و بورس‌بازی زمین‌ها پرداختند که حاصل آن ایجاد تورم عظیمی در شهرها بود که به موجب آن تفاوت سطح دستمزدها در شهر و روستا به وجود آمد، هزینه‌های خانواده افزایش یافت و قیمت زمین و مسکن نیز بالا گرفت (وثوقی، ۱۳۶۶، ص ۷۵). در سال‌های اولیه بعد از انقلاب نیز با ایجاد امکانات رفاهی و توجه به مستضعفین شهری توسط مسئولان زمینه‌های بیش‌تری در جذب مهاجران روستایی فراهم شد. تا سال ۶۵ که شکل غالب مهاجرت، مهاجرت روستا - شهری بود در دهه ۶۵ - ۷۵ شکل جدیدی از مهاجرت در کشور صورت می‌گیرد و آن مهاجرت شهر به شهر است که غالباً از شهرهای کوچک به طرف شهرهای بزرگ‌تر انجام می‌شود (ایران محبوب، ۱۳۸۳، ص ۲۱۹).

عامل مهاجرت روستاییان به شهرها در چند دهه اخیر سبب شده تا جمعیت شهرنشین کشورهای در حال توسعه به شدت افزایش یابد (عنابستانی، ۱۳۸۹، ص ۶۶). در حال حاضر، به علت عدم توسعه متعادل و متوازن بین مناطق شهری و روستایی مهاجرت در سطح کشور هم‌چنان ادامه دارد و بر حجم آن در دهه اخیر به شدت افزوده شده به طوری که ۶۷ درصد از جمعیت کشور در دهه ۷۵-۸۵ جابه‌جا شده‌اند. این نسبت در دهه (۶۵-۷۵) ۵۵ برابر ۲۲ درصد و در دهه (۷۵-۶۵) برابر ۱۳/۵ درصد بوده است (اکبرپور سراسکانرود، ۱۳۸۹، ص ۱۳۷).

سیال بودن جمعیت ایران در طی سه دهه گذشته و افزایش شدید آن، مشکلات عدیده‌ای برای نظام شهری و روستایی کشور پدید آورده است. در دهه ۶۵-۷۵ از مجموع جمعیت ۴۹ میلیون نفری کشور، ۱۲ درصد مهاجر بوده‌اند که این رقم در دهه ۷۵-۶۵ به ۱۵ درصد و در دهه ۸۵-۷۵ به ۱۷ درصد جمعیت ۷۰ میلیونی کشور رسیده است. به عبارت دیگر، در طول دهه اخیر سرشماری حدود ۱۲ میلیون نفر از جمعیت کشور جابه‌جا شده‌اند که تبعات خاص اجتماعی و اقتصادی بر جا گذاشته است. هم‌چنین بر اساس آمار سال ۱۳۸۵، در طی دهه ۸۵-۷۵ از مجموع ۸۵ هزار روستای کشور، تعداد ۳۵ هزار روستا

خالی از سکنه شده و تعداد روستاها به ۴۶ هزار روستا کاهش یافته است (مدد، ۱۳۸۸). هم‌چنین بر اساس همین آمار روند مهاجرت در ایران طی سال‌های ۸۵-۶۵ معادل ۱/۸ برابر شده است و ۹۳/۸ درصد مهاجران کشور به طور عام به استان‌های مرکزی کشور مهاجرت کرده‌اند (زنجانی، ۱۳۸۸).

استان آذربایجان شرقی در طول سه دهه سرشماری گذشته، از نظر رقم مطلق همواره مهاجرفرست‌ترین استان کشور بوده است و با در نظر گرفتن استان اردبیل در محدوده استان آذربایجان شرقی در سال ۶۵، تعداد ۴۵۵۷۳۵ نفر در طول سه دهه ۱۳۸۵-۱۳۵۵، خالص مهاجرتی منفی این استان بوده است که این ارقام به صورت شگفت‌انگیزی در حال افزایش است.

با توجه به نقش مهم تحلیل‌های جمعیتی و از جمله روند مهاجرت در برنامه‌ریزی‌های توسعه هر کشور، در این مقاله سعی شده که روند مهاجرتی استان آذربایجان شرقی به عنوان مهاجرفرست‌ترین استان کشور بین سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ مورد بررسی و تجزیه و تحلیل جغرافیایی قرار گیرد. هم‌چنین در این مقاله مفهوم مهاجرت به معنا اعم آن یعنی جابه‌جایی از نقطه‌ای به نقطه دیگر می‌باشد و مفاهیمی مثل مهاجرت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... مد نظر نمی‌باشد.

اهداف تحقیق

هدف این مقاله بررسی کم و کیف مهاجرت در استان آذربایجان شرقی از دو منظر به شرح ذیل است:

- از نظر مهاجرت‌های بین استانی (ورود - خروج بین استان‌های کشور)

- از نظر مهاجرت‌های درون استانی (ورود - خروج بین شهرستان‌های استان)

سؤال‌های تحقیق

- وضعیت موازنه مهاجرتی استان آذربایجان شرقی در دهه‌های اخیر چگونه بوده است؟

- مبدا و مقصد مهاجرت‌های وارد شده و خارج شده استان آذربایجان شرقی کدام

استان‌ها هستند؟

- مبدا و مقصد مهاجرت‌های جابه‌جا شده در درون استان آذربایجان شرقی کدام شهرستان‌ها هستند؟

- خالص مهاجرتی و موازنه جمعیت جابه‌جا شده شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی چگونه است؟

روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی و تحلیلی است و داده‌های مورد نیاز با روش اسنادی و کتابخانه‌ای گرد آوری شده است. مبدا آماری برای تحلیل‌های کلان سال ۱۳۵۵ و برای تحلیل‌های درون ناحیه‌ای سال ۱۳۸۵ به عنوان آخرین سرشماری رسمی کشور می‌باشد.

مبانی نظری

دو پدیده مهاجرت و شهرنشینی در جوامع مختلف در حد وسیعی به وقوع می‌پیوندد. این دو پدیده به عنوان پیامدهای رشد جمعیت از یک طرف و تغییرات اجتماعی از طرف دیگر، به طور وسیعی در نقاط مختلف جهان در جریان است. به طور کلی، شهرنشینی و مهاجرت را تقویت کرده‌اند و حتی انقلاب صنعتی را می‌توان عامل اساسی رشد و توسعه مهاجرت و شهرنشینی قلمداد کرد.

شهر چون یک موجود زنده است، مردم شهر و فعالیت‌هایشان، روح و کالبد شهر به مثابه جسم این موجود زنده است. شهرها طی حیات خود بر اثر عوامل مختلفی نظیر مهاجرت از روستاها و یا مهاجرت از سایر شهرهای کوچک تغییر شکل و گسترش می‌یابند (داودپور، ۱۳۸۷، ص ۶۴).

ویژگی‌های خاص جغرافیایی مناطق مرکزی سکونت‌گاه‌ها همیشه این پتانسیل را در خود داشته که باعث شود، مراکز جمعیتی واقع در اطراف آن دسترسی آسان و به گونه‌ای منحصر به فرد به شهر مرکزی و به یکدیگر داشته باشند. با این حال، فقدان شبکه راه‌های کارآمد برای ارتباط روزانه به شهر مرکزی در نظام شهری گذشته این امکان را میسر نمی‌کرد. اما در دو دهه اخیر گسترش و بهبود شبکه راه‌های آسفالت‌ه این امکان را به وجود

آورده است تا نظام سنتی سلسله مراتبی گذشته به نظام شهری روزانه (DUS) تحول پیدا کند (عظیمی، ۱۳۹۰) که پیامد آن افزایش شدید مهاجرت به شهرها به خصوص کلان‌شهرهاست.

نخستین تبیین نظری درباره قانون مندی‌های مهاجرت توسط ارنست جورج راونشتاین تحت عنوان قوانین مهاجرت مطرح شد. به نظر وی مهاجرت اتفاقی نیست، بلکه قوانین خاصی بر آن حاکم است. این قوانین عبارتند از (زنجان، ۱۳۸۰، ص ۱۳۱):

فاصله و مهاجرت: شدت مهاجرت بین دو نقطه با فاصله آن رابطه معکوس دارد.

مهاجرت مرحله‌ای: مهاجرت از روستا به شهرهای نزدیک‌تر و کوچک‌تر و سپس به شهرهای بزرگ می‌باشد.

جریان و ضدجریان: همان‌طور که مهاجرت بیش‌تر از نقاط روستایی به شهر می‌باشد، یک جریان وارونه‌ای نیز از نقاط شهری به روستایی وجود دارد.

ارتباطات و تکنولوژی و تأثیر آن بر مهاجرت: هرچه ارتباطات و تکنولوژی گسترش یابد مهاجرت افزایش می‌یابد.

غلبه انگیزه اقتصادی: عامل اقتصادی مهم‌ترین برانگیزنده مهاجرت‌ها است.

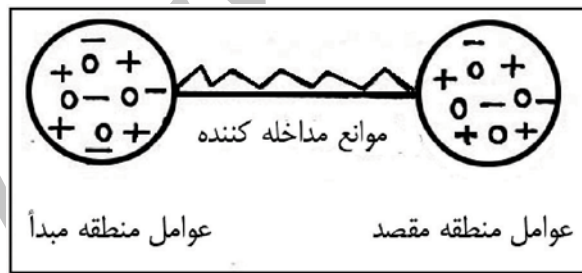
در مجموع، در ارزیابی قوانین ذکر شده از راونشتاین باید گفت که با وجود انتقادات وارد آمده در این زمینه، این قوانین نقطه آغازی برای کار در نظریه‌های مهاجرت بوده است. در مدل جاذبه و دافعه نیز اختلافات توسعه و سطح زندگی میان مراکز مهاجرفرست و مهاجرپذیر سبب دفع از منطقه و جذب به سوی منطقه‌ای دیگر می‌گردد. در این مدل فاصله جغرافیایی بسیار حایز اهمیت بوده و هر چه مسافت کم‌تر باشد، مهاجرت بیش‌تر انجام می‌شود (Cliggett, 2000). نظریه پردازان مکتب وابستگی، مهاجرت را امری اجباری می‌دانند که به خاطر عدم توسعه یک محیط نسبت به محیط دیگر و وابستگی بخش غیر سرمایه‌داری به بخش سرمایه‌داری به وجود می‌آید و آن را یک امر کاملاً استعماری می‌دانند که ادامه آن باعث گسترش هر چه بیش‌تر عدم توسعه می‌گردد (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۸، ص ۲۲).

در دیدگاه کارکردگرایی هر تغییر در جوامع واکنشی به وضع موجود به شمار می‌آید که

بالطبع در جهت ایجاد تعادل اجتماعی صورت می‌گیرد. در این دیدگاه مهاجرت در پاسخ به یک حالت عدم تعاون در جهت رسیدن به تعادل در جامعه صورت می‌گیرد (ایمان، ۱۳۶۹، ص ۱۶۷). این دیدگاه مهاجرت را عامل مطمئنی برای جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی می‌داند و معتقد است مهاجرت با ارضای نیازهای مهاجران باعث تخفیف نارضایتی و بی‌عدالتی اجتماعی می‌شود (تقوی، ۱۳۷۱، ص ۵۶).

پدیده مهاجرت نتیجه و حاصل برخورد عوامل جذب‌کننده و دفع‌کننده محیطی و فردی سرزمین‌هاست و این مسأله همیشه مورد توجه جغرافی‌دانان و برخی جامعه‌شناسان بوده است (Newman, 1987, p167).

نمودار ۱ نشان می‌دهد که انسان در مکان‌های مختلف با یک سری از عوامل جاذب و دافع در شکل متغیرهای مثبت و منفی روبروست، که در ضریب ماندگاری انسان‌ها در منطقه یا قصد مهاجرت آن‌ها از منطقه مؤثر است به عبارت دیگر، تعیین موقعیت و امکانات هر محل و عوامل جاذب و دافع پنهان و آشکار آن می‌تواند اصلی‌ترین عامل و انگیزه در پایداری و ماندگاری جمعیت‌ها یا مهاجرت آن‌ها از منطقه باشد، ضمن اینکه مهاجرت‌های استانی نیز از این قاعده مستثنی نیست (Lee, 1966, p47-57).

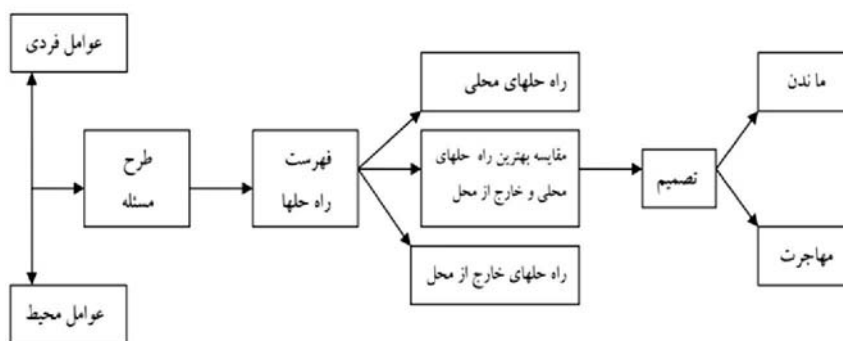


شکل ۱: عوامل موجود در محل اولیه و مقصد و مداخله موانع در مهاجرت از اورت لی

با این وجود، به نظر می‌رسد در کشور ایران مهاجرت‌ها اگرچه می‌تواند پیامدهای مثبتی برای مهاجران داشته باشد، لیکن جریان کلی حاکم بر مهاجرت‌های کشور نگرانی

۱. عوامل جذب‌کننده و دفع‌کننده به ترتیب به صورت‌های + و - و عوامل خنثی به صورت 0 دیده می‌شود.

عمده‌ای را برای برنامه‌ریزان و مدیران به وجود آورده است. این جریان حاکی از گرایش شدید مهاجرت‌ها به تمرکز در شهرهای بزرگ کشور به خصوص کلان‌شهرهای تهران، اصفهان، مشهد، تبریز و شیراز می‌باشد که غیر از خالی شدن مبدا مهاجرت از سرمایه‌های اجتماعی باعث شکل‌گیری حاشیه‌های فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، در کلان‌شهرها می‌شود (پورآقایی، ۱۳۸۵). شاید بتوان در این خصوص به نظریه کشش و رانش اشاره کرد که توسط هربرل^۱ در سال ۱۹۳۸ ارایه شده است این نظریه توسعه شهر و روستا و تضاد میان این دو منطقه از محل زیست را عامل اصلی مهاجرت دانسته است (لسهائی‌زاده، ۱۳۶۸، ص ۱۴۹) محققان بر این نظریه‌ها اجماع دارند که عامل اصلی مهاجرت روستاییان در تقابل میان شهر و روستا و عدم تعادل بین این مناطق نهفته است (آیرملو، ۱۳۶۵، ص ۳۲). از آنجا که بخش مهمی از نرخ رشد بالای جمعیت شهرها ناشی از مهاجرت روستاییان است، حل بسیاری از مشکلات شهری در گرو حل همزمان مشکلات روستایی و به طور کلی، توسعه موزون و یکپارچه کشور است (اکبریور سراسکانرود، ۱۳۸۹، ص ۱۳۸).



شکل ۲: مدل تصمیم به مهاجرت و فرایند آن (Fuller, 1978, P50)

توجه به مهاجرت به عنوان آسیب اجتماعی، به معنای پذیرش آن به عنوان معلولی است که از الگوی خاص توسعه ناشی می‌شود. در تحلیل پویای اجتماعی جامعه شهری ایران طی دهه‌های اخیر، بررسی نقش مهاجرت در زمینه‌سازی برای پیدایش مشکلات

1. Herberle

عدیده اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردار است و یکی از بردارهای اصلی رشد شتابان شهرنشینی و توزیع نامتعادل آن در شبکه شهری، مهاجرت روستایی، مهاجرت از شهرهای کوچک، و افزایش حجم جابه‌جایی جمعیت ناحیه‌ای می‌باشد (رهنمایی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۷).

بر پایه مباحث مطرح شده، شهرها و روستاها به عنوان مراکز اصلی تجمع انسان‌ها و شکل دهنده اصلی بنیان‌های جغرافیایی دارای روابط خاص با تکیه بر ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی و فضایی با یکدیگر هستند. این کانون‌های سکونت‌گاهی با گذر تاریخ و پذیرش تغییرات ساختاری، دچار تغییر در پیوندها و نوع مناسبات میان فضاها و مختلف جمعیتی می‌گردد. به عبارت دیگر وجود رابطه فضایی میان سکونت‌گاهها جایکی از جایگاه مهم این تعاملات در نظم‌دهی به فضاها و مختلف جغرافیایی است (شمس‌الدینی، ۱۳۹۰، ص ۸۱-۸۰).

مهاجرت‌ها در استان آذربایجان شرقی

شناخت جریان جابه‌جایی جمعیت در برنامه‌ریزی توسعه از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. ساخت جمعیتی کشورهای در حال توسعه به دلیل مهاجرت‌های روستا - شهری و مهاجرت از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ به طور مداوم دستخوش تغییرات اساسی گردیده و حرکت مداوم مردم از مناطق محروم به کانون‌های خدمات و قطب‌های رشد باعث افزایش سریع و بی‌ضابطه شهرنشینی شده و مشکلات عدیده‌ای را در شهرهای بزرگ به وجود آورده است.

مهاجرت‌های بین ناحیه‌ای

استان آذربایجان شرقی همواره در طول سالیان گذشته یکی از عمده‌ترین استان‌های مهاجرفرست بوده و در دهه ۱۳۶۵-۱۳۷۵ با خالص مهاجرت منفی ۸۸۴۵۸، بزرگ‌ترین استان مهاجرفرست کشور محسوب می‌شده است. در دهه فوق‌الذکر ۱۲۶۵۸۵ نفر به استان وارد و ۲۱۵۰۴۳ نفر از استان خارج شده‌اند. مهاجران وارد شده به استان ۴/۳ درصد کل مهاجران کشور و مهاجران خارج شده از استان ۷/۳ درصد کل مهاجران خارج شده در سطح کشور می‌باشند. در سال ۸۵ نیز حدود ۱۵۸ هزار نفر به استان وارد شده‌اند و در مقابل بیش از ۳۰۲ هزار نفر مهاجرت کرده‌اند. خالص مهاجرت دهه ۸۵-۷۵ معادل ۱۴۳- هزار نفر بوده است که نسبت به سال ۷۵ از افزایش زیادی برخوردار بوده است.

کل جمعیت جابه‌جا شده بین استان‌های کشور در دهه ۸۵-۷۵ حدود ۴۷۷۴ هزار نفر بوده که سهم استان آذربایجان شرقی از نظر مهاجران وارد شده ۱۵۸ هزار نفر (معادل ۳/۳ درصد) و از مهاجران خارج شده از استان ۳۰۲ هزار نفر می‌باشد که ۶/۳۱ درصد از مهاجران خارج شده از استان‌های کشور است. در مجموع، استان آذربایجان شرقی در دهه ۸۵-۱۳۷۵ با خالص مهاجرت حدود منفی ۱۴۳ هزار نفر مهاجر فرست‌ترین استان کشور بوده است.

اطلاعات مهاجرتی کشور در طول ۳ دهه گذشته سرشماری نشان می‌دهد بیش از ۴۵۰ هزار نفر (با لحاظ استان اردبیل در سال ۱۳۶۵) از جمعیت استان فقط از بابت خالص مهاجرت منفی کم شده است و بدون استثنا در هر دوره سرشماری استان با خالص مهاجرت منفی رود رو بوده است.

جدول ۱: روند جابه‌جایی مهاجرت‌های آذربایجان شرقی در سه دهه سرشماری
منبع: (آمارنامه‌های استان آذربایجان شرقی - سایت مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸)

خالص مهاجرت	مهاجر فرستی	مهاجر پذیری	دهه ها
-۲۲۴۷۸۸	۴۵۹۶۹۲	۲۳۴۹۰۲	۵۵-۶۵
-۸۸۴۵۸	۲۹۵۴۴۷	۲۰۶۹۸۹	۶۵-۷۵
-۱۴۳۷۳۰	۳۰۲۱۵۶	۱۵۸۴۲۶	۷۵-۸۵
-۴۵۵۷۳۵	۱۰۵۶۱۳۹	۶۰۰۴۰۴	۸۵-۹۵

در دهه اخیر از بین ۳۰ استان کشور ۱۸ استان مهاجر فرست و ۱۲ استان مهاجر پذیر بوده‌اند. استان‌های مهاجر فرست از نظر رقم مطلق به ترتیب شدت مهاجر فرستی عبارتند از استان آذربایجان شرقی، کرمانشاه، خوزستان، همدان، سیستان و بلوچستان، لرستان، کردستان، اردبیل، فارس، آذربایجان غربی، کرمان، خراسان شمالی، چهارمحال بختیاری، زنجان، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام، خراسان جنوبی و هرمزگان. استان‌های مهاجر پذیر نیز از نظر شدت مهاجر پذیری عبارتند از: تهران، اصفهان، یزد، مازندران، خراسان رضوی، گلستان، گیلان، قم، بوشهر، سمنان، مرکزی و قزوین. از سوی دیگر، با محاسبه نسبت خالص مهاجرت به جمعیت وضعیت فرق می‌کند. در رقم مطلق استان آذربایجان شرقی مهاجر فرست‌ترین استان کشور است، ولی بر اساس محاسبه نسبت خالص مهاجرت به کل جمعیت این استان در رتبه ۶ مهاجر فرستی قرار می‌گیرد و مهاجر فرستی در استان‌های

کرمانشاه، همدان، اردبیل، لرستان و کردستان با نسبت خالص مهاجرت به جمعیت برابر ۶/۳، ۵/۲، ۴/۵، ۴/۸۰ و ۴- بیش تر از سایر استان‌ها بوده است. استان آذربایجان شرقی دارای نسبت معادل ۳/۹- بوده که در رتبه ششم مهاجرفرستی قرار گرفته است.

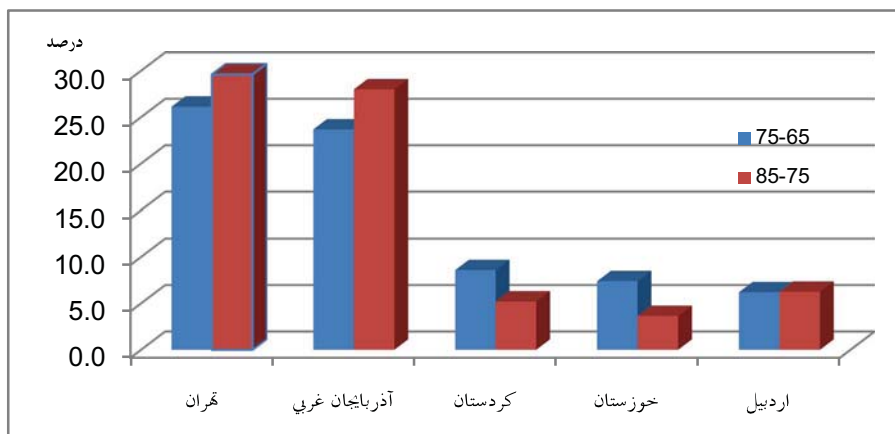
در بحث مهاجرپذیری به نسبت جمعیت نیز وضعیت متفاوت بوده و استان تهران با نسبت برابر ۴/۵، بیش ترین مهاجرپذیری را نسبت به جمعیت داشته است. استان‌های یزد، قم، بوشهر، گلستان و اصفهان به ترتیب با ۳/۹، ۲/۲، ۱/۷، ۱/۷ و ۱/۵، استان‌های مهاجرپذیر کشور محسوب می‌شوند.

مبدأ مهاجرت‌ها به استان آذربایجان شرقی

آمارهای سرشماری بیانگر این است که بخش عظیمی از مهاجران وارد شده به استان آذربایجان شرقی در طول دهه‌های ۶۵-۷۵ و ۸۵-۷۵ از استان‌های تهران، آذربایجان غربی، کردستان، خوزستان و اردبیل می‌باشد که بیش از ۷۰ درصد مجموع واردشدگان به استان را شامل می‌شوند. نکته مهم اینکه فقط دو استان تهران و آذربایجان غربی قریب به ۵۰ درصد مهاجران وارد شده به استان را به خود اختصاص داده‌اند. در دهه ۸۵-۷۵ نیز این ۴ استان بیش از ۸۲ درصد مبدأ مهاجران به استان بوده است و در این دهه سهم دو استان تهران و آذربایجان غربی افزایش، سهم خوزستان کاهش و سهم استان اردبیل ثابت مانده است.

جدول ۲: مبدأ مهاجران وارد شده به استان آذربایجان شرقی از سایر استان‌ها
منبع: (اطلاعات سرشماری ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵)

دهه	شرح	تهران	آذربایجان غربی	کردستان	خوزستان	اردبیل	سایر استان‌ها	کل
۷۵-۶۵	تعداد	۳۳۰۶۴	۲۹۹۷۷	۱۰۸۶۷	۹۳۵۵	۷۸۴۹	۳۵۴۷۳	۱۲۶۵۸۵
	درصد	۲۶/۱۲	۲۳/۶۸	۸/۵۸	۷/۳۹	۶/۲۰	۲۸/۰۳	۱۰۰
۸۵-۷۵	تعداد	۴۶۹۰۰	۴۴۳۵۵	۸۲۴۹	۵۷۷۴	۹۹۱۲	۴۳۲۲۶	۱۵۸۴۲۶
	درصد	۲۹/۶	۲۷/۹	۰/۲۰	۳/۶۴	۶/۲۶	۲۷/۲۸	۱۰۰



نمودار ۱: درصد مهاجران وارد شده به استان آذربایجان شرقی از سایر استان‌ها

وضعیت مهاجران وارد شده به شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی از سایر استان‌های کشور در دهه ۷۵-۸۵ نشان می‌دهد که مهاجران از استان تهران عمدتاً در شهرستان‌های تبریز، سراب، مراغه، میانه، مرند و شیبستر اسکان یافته‌اند. مهاجران استان آذربایجان غربی عمدتاً در شهرستان‌های تبریز، عجب‌شیر، مراغه و بناب استقرار یافته‌اند و سایر مهاجران استان‌های فوق‌الذکر نیز به همین ترتیب در شهرهای بزرگ استان به تناسب توزیع شده‌اند. کم‌ترین مهاجر وارد شده از سایر استان‌ها به شهرستان‌های کلیبر، ورزقان، هشترود، بستان آباد و چاراویماق بوده است. که از مجموع ۱۵۸ هزار مهاجر وارد شده تنها حدود ۱۰ هزار نفر به این شهرستان‌ها مهاجرت کرده‌اند و به عبارت دیگر، پذیرش مهاجرت این شهرستان‌ها به تناسب سایر شهرستان‌ها بسیار کم و در حد ناچیز است.

در موضوع مهاجرت‌های استان چند مطلب به روشنی استنباط می‌شود:

اول اینکه استان تهران و استان‌های همسایه مهم‌ترین و بیش‌ترین پیوند جمعیتی با استان آذربایجان شرقی دارند. دوم اینکه مهاجران وارد شده به استان عمدتاً به شهرستان‌های بزرگ و برخوردار استان مهاجرت کرده‌اند و سوم، کم‌ترین پذیرش مهاجر در شهرستان‌های شمالی استان و جنوب شرقی استان است که همواره در محرومیت بوده‌اند و عمدتاً یک جامعه کاملاً روستایی هستند.

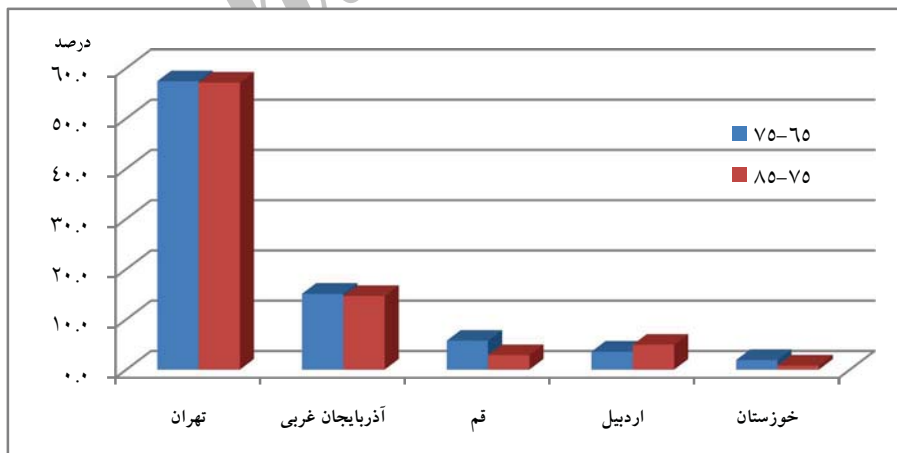
مقصد مهاجرت‌ها از استان آذربایجان شرقی

در دهه ۷۵-۶۵ از مجموع مهاجران خارج شده از استان، حدود ۵۷/۴ درصد مهاجران به مقصد تهران، ۱۵/۰۷ درصد به مقصد آذربایجان غربی، ۵/۷ درصد به مقصد استان قم و ۳/۵۷ درصد به استان اردبیل مهاجرت کرده‌اند که مجموعاً این ۴ استان مقصد ۸۱ درصد مهاجران خارج شده از استان آذربایجان شرقی بوده است.

در دهه ۸۵-۷۵ نیز همین ۴ استان نیز حدود ۸۰ درصد مقصد مهاجران استان بوده که سهم تمام استان‌ها کاهش یافته و سهم استان اردبیل افزایش یافته است. هم‌چنین در دوره اخیر سهم این ۴ استان ۲/۲ درصد نسبت به دوره قبل کم شده و ارتباط مهاجرتی با سایر استان‌های کشور بیش‌تر شده است.

جدول ۳: مقصد مهاجران خارج شده از استان آذربایجان شرقی به سایر استان‌ها

دهه‌ها	شرح	تهران	آذربایجان غربی	قم	اردبیل	خوزستان	سایر استان‌ها	کل
۷۵-۶۵	تعداد	۱۲۳۴۵۲	۳۲۴۵۰	۱۲۳۲۳	۷۶۶۷	۴۱۲۰	۳۴۹۸۱	۲۱۵۰۴۳
	درصد	۵۷/۴۱	۱۵/۰۷	۵/۷۵	۳/۵۷	۱/۹۲	۱۶/۲۸	۱۰۰
۸۵-۷۵	تعداد	۱۷۲۶۲۹	۴۴۲۵۵	۸۷۰۸	۱۴۹۹۳	۲۴۲۲	۵۹۱۴۹	۳۰۲۱۵۶
	درصد	۵۷/۱	۱۴/۶	۲/۹	۵	۸	۱۹/۶	۱۰۰



نمودار ۲: درصد مهاجران خارج شده از استان آذربایجان شرقی به سایر استان‌ها

جدول ۴: خالص مهاجرت و نسبت آن به جمعیت کل استان‌ها در ۳ دوره ۱۳۸۵-۱۳۵۵

۶۵-۵۵			۷۵-۶۵			۸۵-۷۵		
استان	خالص	نسبت	استان	خالص	نسبت	استان	خالص	نسبت
آذربایجان غربی	۱۳۸۱۴-	۷.۳-	آذربایجان غربی	۱۳۹۷-	۱.۰-	آذربایجان غربی	۲۶۸۲۱-	۹.۰-
آذربایجان شرقی	۲۲۴۷۹۰-	۸.۶-	آذربایجان شرقی	۸۱۴۵۸-	۷.۲-	آذربایجان شرقی	۱۴۳۷۳۰-	۰.۴-
مازندران	۲۱۰۳	۱.۰	اردبیل	۳۹۵۵۶-	۴.۳-	اردبیل	۵۵۳۹۵-	۵.۴-
گیلان	۳۰۷۷۲-	۵.۱-	مازندران	۲۷۵۲۹-	۷.۰-	گلستان	۲۸۱۲۵	۷.۱
تهران	۴۷۵۹۹۶	۵.۵	گیلان	۱۷۷۷۲-	۸.۰-	مازندران	۳۵۴۴۱	۲.۱
سمنان	۴۲۷۹	۰.۱	قم	۵۰۶۲۹	۹.۵	گیلان	۲۴۶۷۹	۰.۱
زنجان	۲۹۲۰۴-	۱.۱-	زنجان	۶۱۳۴۹	۹.۵	تهران	۶۱۵۰۲۷	۶.۴
مرکزی	۲۲۷۶۰-	۱.۲-	تهران	۳۵۰۳۸۲	۱.۳	قم	۲۳۴۰۳	۲.۲
خراسان	۱۱۶۹۰	۲.۰	سمنان	۱۷۶۸۲	۷.۱	سمنان	۸۰۶۴	۴.۱
اصفهان	۸۵۱۵۷	۱.۲	مرکزی	۹۵۰۸-	۸.۰-	مرکزی	۶۲۶۴	۵.۰
یزد	۴۵۸۸	۸.۰	خراسان	۴۱۴۱-	۱.۰-	قزوین	۱۸۲۸	۲.۰
چهارمحال و بختیاری	۱۰۰۴۱-	۶.۱-	اصفهان	۷۱۰۷۳	۸.۱	زنجان	۱۵۹۵۶-	۷.۱-
کهگیلویه و بویر احمد	۷۳۰۸	۸.۱	یزد	۱۲۱۵۱	۶.۱	خراسان رضوی	۳۰۸۵۵	۶.۰
خوزستان	۲۶۷۶۴۴-	۸.۱۶-	چهارمحال و بختیاری	۳۲۴۹۹-	۳.۴-	خراسان جنوبی	۱۰۲۰۱-	۶.۱-
بوشهر	۵۱۱۵۵	۴.۸	خوزستان	۳۳۸۶۲-	۹.۰-	خراسان شمالی	۲۵۳۸۵-	۱.۳-
فارس	۶۰۸۷۷	۹.۱	کهگیلویه و بویر احمد	۵۵۲۱-	۰.۱-	یزد	۳۹۳۴۸	۰.۴
هرمزگان	۳۲۸۶۶	۲.۴	فارس	۲۴۸۶۳-	۷.۰-	اصفهان	۶۸۶۲۳	۵.۱
کرمان	۵۴۸۶	۳.۰	بوشهر	۳۸۹۳۷-	۲.۵-	چهارمحال و بختیاری	۱۶۹۳۱-	۰.۲-
سیستان و بلوچستان	۲۰۳۲-	۲.۰-	کرمان	۶۳۸۴-	۳.۰-	کهگیلویه و بویر احمد	۱۵۱۰۹-	۴.۲-
ایلام	۴۱۹۷-	۲.۰-	سیستان و بلوچستان	۱۴۵۹۲-	۸.۰-	خوزستان	۱۰۸۲۱۲-	۵.۲-
کرمانشاه	۱۷۶۰۶-	۲.۱-	هرمزگان	۹۴۸۴-	۹.۰-	بوشهر	۱۵۵۸۳	۸.۱
لرستان	۳۲۴۹۱-	۴.۲-	ایلام	۶۹۶۲-	۴.۱-	فارس	۳۳۸۴۵-	۸.۰-
کردستان	۳۵۲۲۱-	۳.۳-	همدان	۴۴۳۵۶-	۶.۲-	هرمزگان	۲۴۲-	۰.۰
همدان	۵۰۹۳۳-	۴.۳-	کردستان	۳۷۱۴۵-	۸.۲-	کرمان	۲۶۶۴۲-	۰.۱-
کل کشور	۰	۰.۰	کرمانشاه	۶۱۶۹۵-	۵.۳-	سیستان	۷۱۳۲۸-	۰.۳-
			لرستان	۵۸۶۰۶-	۷.۳-	ایلام	۱۱۱۴۱-	۰.۲-
			کل کشور	۰	۰.۰	لرستان	۶۸۷۸۶-	۰.۴-
						کردستان	۵۸۸۸۵-	۱.۴-
						همدان	۸۹۵۰۴-	۳.۵-
						کرمانشاه	۱۱۹۱۳۴-	۳.۶-
						کل کشور	۰	۰.۰

مهاجرت‌های درون ناحیه‌ای

جابه‌جایی جمعیت بین شهرستان‌های استان از دیگر ابعاد مهاجرت می‌باشد که تحت عنوان مهاجرت درون منطقه‌ای از آن یاد می‌شود. در مجموع در دهه ۷۵-۶۵ تعداد ۸۰۴۰۴ نفر بین شهرستان‌های استان جابه‌جا شده‌اند. بررسی مهاجران خارج شده از شهرستان‌ها نشان می‌دهد، ۲۲/۱۸ درصد از کل مهاجران، متعلق به شهرستان اهر بوده و کم‌ترین مهاجرت از شهرستان میانه صورت گرفته است. نکته جالب اینکه ۵۶/۳ درصد مهاجرت از شهرستان‌ها

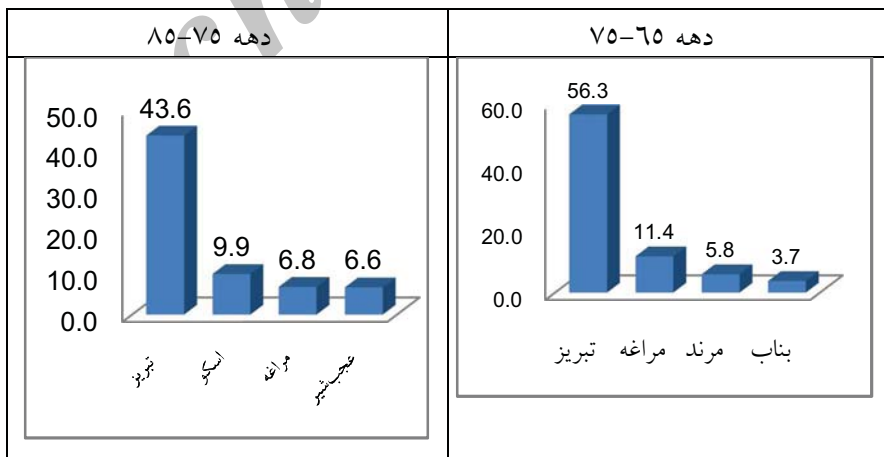
به شهرستان تبریز بوده است. شهرستان‌های بناب، تبریز، جلفا و مراغه از مهاجرپذیرترین شهرستان‌های استان بوده‌اند. شهرستان مراغه حجم بزرگی از مهاجران شهرستان‌های هشتگرد - ملکان و بناب را به خود اختصاص داده و مقصد قسمت اعظم مهاجران سایر شهرستان‌ها، شهرستان تبریز بوده است. در دهه اخیر ۸۵-۷۵ شهرستان تبریز با ۴۳/۵۸ درصد جذب از کل مهاجرت‌های درون منطقه‌ای در رتبه اول و شهرستان‌های اسکو با ۹/۹ درصد، مراغه با ۶/۷ درصد و عجب‌شیر با ۶/۶۵ درصد از عمده شهرستان‌های مهاجرپذیر استان بوده‌اند.

جدول ۵: مقصد عمده مهاجران وارد شده درون استانی آذربایجان شرقی.
منبع: (سایت مرکز آمار ایران)

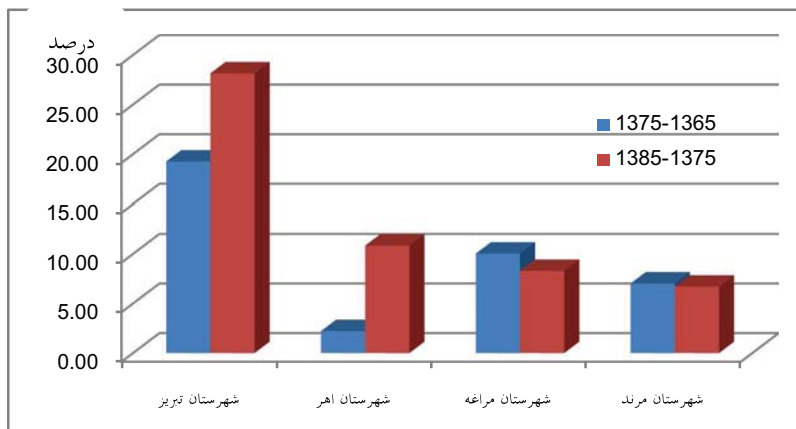
دهه	شهرستان	تبریز	مراغه	مرند	بناب	سایر	جمع
۱۳۶۵-۱۳۷۵	تعداد	۴۵۲۷۶	۹۲۰۰	۴۶۶۳	۲۹۳۵	۱۸۳۳۰	۸۰۴۰۴
	درصد	۵۶/۳۱	۱۱/۴۴	۵/۸۰	۳/۶۵	۲۲/۸	۱۰۰
۱۳۷۵-۱۳۸۵	تعداد	۶۰۷۲۱	۱۳۸۱۲	۹۴۲۵	۹۲۶۰	۴۶۱۲۰	۱۳۹۳۳۸
	درصد	۴۳/۵۸	۹/۹۱	۶/۷۶	۶/۶۵	۳۳/۱۰	۱۰۰

جدول ۶: مبدأ عمده مهاجران خارج شده درون استانی آذربایجان شرقی.
منبع: (سایت مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸)

دهه	شرح	شهرستان تبریز	شهرستان اهر	شهرستان مراغه	مرند	سایر شهرستان‌ها	جمع
۱۳۶۵-۱۳۷۵	تعداد	۱۵۴۸۳	۱۷۸۳	۸۰۷۰	۵۶۴۷	۳۳۳۶۷	۸۰۴۰۴
	درصد	۱۹/۲۶	۲۲/۱۸	۱۰/۰۴	۷/۰۲	۴۱/۵	۱۰۰
۱۳۷۵-۱۳۸۵	تعداد	۳۹۲۲۷	۱۵۱۱۰	۱۱۵۵۱	۹۳۴۴	۶۴۱۰۶	۱۳۹۳۳۸
	درصد	۲۸/۱۵	۱۰/۸۴	۸/۲۹	۶/۷۱	۴۶/۰۱	۱۰۰



نمودار ۳: مقاصد عمده مهاجران درون استانی آذربایجان شرقی



نمودار ۴: مبدأهای عمده مهاجران درون استانی استان آذربایجان شرقی

براساس نتایج مطالعات انجام شده شهرستان‌های اهر، هشترود، هریس، کلیبر، سراب و بستان‌آباد بیش‌ترین خالص مهاجرت منفی را داشته‌اند. تناسب کامل این نتیجه را با محورهای تجهیز شده استان و مناطق توسعه یافته استان می‌توان کاملاً استنباط کرد. این شهرستان‌ها دارای کم‌ترین امکانات و شبکه‌های زیربنایی و فعالیت‌های اقتصادی در سطح استان می‌باشند.

تحلیل کمی مهاجران وارد شده به شهرستان‌های استان

طی دهه ۸۵-۱۳۷۵ از مجموع ۳۰۱۵۶۵ نفر مهاجر وارد شده به شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی بیش‌ترین مهاجر وارد شده مربوط به شهرستان تبریز با رقم ۱۳۳۵۵۸ (معادل ۴۴/۲۸ درصد) و کم‌ترین تعداد مربوط به شهرستان چاراویماق با ۲۲۶۱ نفر (معادل ۰/۷ درصد) بوده است.

از میان استان‌های کشور هم استان تهران بیش‌ترین مهاجران را به استان داشته است و مقصد بیش‌ترین افراد وارد شده از استان تهران نیز شهرستان تبریز با رقم ۲۱۸۳ نفر (۶۷/۵۴ درصد) بوده است. پس از شهرستان تبریز، شهرستان میانه مقصد بعدی مهاجران تهرانی با ۴۳۰۸ نفر (معادل ۹/۱ درصد) بوده و کم‌ترین تعداد نیز مربوط به شهرستان ورزقان با ۳۰۴ نفر بوده است.

پس از شهرستان تبریز که بیش‌ترین مهاجر و افراد جابه‌جا شده از سایر استان‌ها و

داخل استان را داشته است، شهرستان عجب‌شیر بیش‌ترین افراد مهاجر را در خود جای داده است. (۲۱۹۲۷ نفر معادل ۷/۲۷ درصد کل مهاجران وارد شده به استان)

در طی سال‌های ۸۵-۱۳۷۵ در مجموع ۴۴۱۷۴۰ نفر از استان و شهرستان‌های آن خارج شده‌اند، که بیش‌ترین تعداد مربوط به شهرستان تبریز با ۱۵۸۹۳۹ نفر (معادل ۳۵/۹۸ درصد) بوده است. پس از شهرستان تبریز، شهرستان میانه با ۴۱۳۱۹ نفر (معادل ۹/۳۵ درصد) بیش‌ترین مهاجرت و شهرستان چاراویماق با ۵۶۸ نفر (معادل ۰/۱۲ درصد) کم‌ترین تعداد مهاجرت را داشته است.

در بین شهرستان‌های کشور بیش‌ترین مهاجرت به استان تهران صورت گرفته است به طوری که در طی سال‌های ۸۵-۱۳۷۵، ۱۷۲۶۲۸ نفر به این استان مهاجرت کرده‌اند. هم‌چنین کم‌ترین میزان مهاجرت از استان نیز به استان خراسان جنوبی با ۱۹ نفر بوده است.

خالص مهاجرت شهرستان‌های استان

کل مهاجرت شهرستان‌های استان در طول دهه ۸۵-۷۵ منفی است. به این معنا که تعداد مهاجران خارج از استان نسبت به تعداد مهاجرت داخل بیش‌تر بوده است. از این رو شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی در طول این دهه مهاجرفرست بوده است. از میان شهرستان‌های استان نیز شهرستان تبریز با ۴۷۱۷۶- نفر (۳۳/۶۶ درصد) در میان ۱۹ شهرستان استان بزرگ‌ترین میزان خالص مهاجرت را داشته است. و شهرستان عجب‌شیر با میزان خالص مهاجرت مثبت ۵۸۲۹ نفر (۴/۱۶ درصد) در میان شهرستان‌های استان کم‌ترین مهاجرت را داشته است.

جدول ۶: مهاجرت خالص شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی در دهه ۸۵-۱۳۷۵. منبع: (سایت مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸)

شهرستان	خارج شده		وارد شده		خالص مهاجرت
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
اهر	۸۸۳۶	۹.۲	۲۲۰۲	۳۶.۱	۶۶۳۴
تبریز	۱۱۹۷۷۰	۶.۳۹	۷۲۵۹۴	۸۲.۴۴	۴۷۱۷۶
سراب	۲۷۶۵۴	۲.۹	۶۴۶۶	۹۹.۳	۲۱۱۸۸
مراغه	۲۳۸۷۵	۹.۷	۱۱۷۴۴	۲۵.۷	۱۲۱۳۱
مرند	۱۳۹۰۳	۶.۴	۸۶۲۵	۳۲.۵	۵۲۷۸

شهرستان	خارج شده		وارد شده		خالص مهاجرت
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
میانه	۲۶۸۵۲	۲.۱۲	۸۵۲۳	۲۶.۵	۲۸۳۲۹
هشترود	۲۹۱۵۰	۶.۹	۱۹۵۹	۲۱.۱	۲۷۱۹۱
بناب	۴۳۲۰	۴.۱	۶۹۷۹	۳۱.۴	۲۶۵۹-
بستان آباد	۴۹۶۷	۶.۱	۲۴۸۳	۵۳.۱	۲۴۸۴
شیبستر	۷۲۸۷	۴.۲	۶۵۷۱	۰.۴	۸۱۶
کلیبر	۶۱۹۴	۰.۲	۲۰۱۵	۲۴.۱	۴۱۷۹
هریس	۲۱۸۹	۷.۰	۲۸۳۵	۷۵.۱	۶۴۶-
چلغا	۳۰۷۴	۰.۱	۳۱۳۴	۹۳.۱	۶۰-
ملکان	۳۴۸۹	۲.۱	۲۷۴۲	۶۹.۱	۷۴۷
آذرشهر	۲۲۱۴	۷.۰	۲۸۵۰	۳۸.۲	۱۶۳۶-
اسکو	۷۸۶	۳.۰	۳۷۱۴	۲۹.۲	۲۹۲۸-
چاراویماق	۲۷۴	۱.۰	۱۲۷۳	۷۹.۰	۹۹۹-
ورزقان	۳۹۲	۱.۰	۱۶۱۲	۰.۱	۱۲۲۰-
عجب شیر	۶۸۳۱	۳.۲	۱۴۶۶۰	۸۲.۷	۵۸۲۹-
جمع کل	۳۰۲۱۵۷	۱۰۰	۱۶۱۹۸۲	۱۰۰	۱۴۰۱۷۵

بررسی علت مهاجرت‌ها در استان آذربایجان شرقی

موضوع علت مهاجرت‌ها موضوعی بسیار پیچیده و تحت تأثیر عوامل متعدد بوده و به سادگی نمی‌توان با آمارهای موجود در مورد این موضوع تحقیق و ارایه نتیجه قطعی داد. اما آنچه که در حال حاضر در تحقیقات علت مهاجرت می‌توان استناد کرد، اتکا به آمارهای مرکز آمار ایران در سرشماری‌های عمومی و بازتحلیل آنها به صورت فنی و استفاده از نظرات کارشناسی می‌باشد. مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۸ علت مهاجرت‌ها در استان‌ها را به صورت چند عامل مهم دسته بندی و ارایه داده است که در جدول شماره ۷ ارایه شده است. بر اساس این داده‌ها مهم‌ترین عامل مهاجرت در استان آذربایجان شرقی، عامل پیروی از خانوار است. به این دلیل که معمولا با مهاجرت سرپرست خانوار برای یافتن شغل بهتر، همسر و فرزندان وی نیز مهاجرت می‌کنند که به همین دلیل، پیروی از خانوار، مهم‌ترین عامل مهاجرت مطرح شده است. ولی آنچه که غیر از پیروی از خانوار نمود عینی زیادی دارد، موضوع یافتن شغل و تحصیل است که به عنوان دو علت محوری در

مهاجرت‌های استان آذربایجان شرقی نقش داشته است. غیر از داده‌های رسمی، اگر از منظر کارشناسی وضعیت مهاجرت‌ها در استان مورد بررسی قرار گیرد، شاید مسایل فرهنگی و اجتماعی نقش زیادی در مهاجرت‌ها داشته باشد. اصولاً مردم آذربایجان در زمینه کار حاضر به مهاجرت به دورترین نقاط کشور هستند و در بسیاری از استان‌های کشور نشانه‌هایی از مهاجرت آذری‌ها برای رده‌های مختلف شغلی مشاهده می‌شود که این روحیه اجتماعی را باید مهم‌ترین عامل اجتماعی مهاجرت از این استان بیان کرد. شاید ادله محکم برای این موضوع اختصاص عنوان پایین‌ترین نرخ بیکاری در میان استان‌ها و مهاجرت فرست‌ترین استان کشور در دهه‌های اخیر به استان آذربایجان شرقی دلیل بر این مدعا باشد که آذری‌ها برای یافتن شغل بهتر حاضر به تغییر مکان خود هستند، در حالی که این روحیه اجتماعی به ندرت در سایر استان‌ها وجود دارد.

جدول ۷: علت مهاجرت‌ها در استان آذربایجان شرقی طی سال‌های (۸۵-۷۵). منبع: (سایت مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸)

شرح	مرد و زن	
	تعداد	درصد
جمع	۴۴۶۰۸۰	۱۰۰/۰۰
جستجوی کار	۴۶۷۴۰	۱۰/۴۸
جستجوی کار بهتر	۲۸۹۵۰	۶/۴۹
انتقال شغلی	۲۵۳۵۵	۵/۶۸
تحصیل	۴۰۸۴۴	۹/۱۶
پایان تحصیل	۵۹۹۰	۱/۳۴
انجام خدمت وظیفه	۱۴۳۴۱	۳/۲۱
پایان خدمت وظیفه	۲۴۰۶۶	۵/۳۹
پیروی از خانوار	۲۰۹۹۳۹	۴۷/۰۶
سایر	۳۳۳۶۷	۷/۴۸
اظهاری نشده	۱۶۴۹۰	۳/۷۰

نتیجه

نظریه‌های متعدد علمی در حوزه برنامه‌ریزی منطقه‌ای بر تعادل توزیع فعالیت‌ها و جمعیت در پهنه یک سرزمین متناسب با قابلیت‌های هر منطقه تأکید کرده‌اند. از جمله این نظریه‌ها، نظریه‌های توسعه منطقه‌ای فریدمن، نظریه تعادل منطقه‌ای هیلهورست و نظریه سازمان

فضایی است. یکی از آثار عدم تعادل در بهره‌گیری از مواهب توسعه یافتگی منجر به تحرکات ناموزون جمعیت در سطح استان‌ها مانند مهاجرت از مناطق کم‌تر توسعه یافته به مناطق در حال توسعه و یا توسعه یافته‌تر شده است. تحقیقات بسیاری وجود رابطه مثبت بین میزان توسعه یافتگی و مهاجرت را به اثبات رسانده‌اند. بنابراین، امروزه برای حل مسائلی مثل مهاجرت، حاشیه نشینی، ترافیک، آلودگی هوا، بزهکاری‌های اجتماعی و صدها نوع از این مشکلات در کلان‌شهرها باید رویکردهای برنامه‌ریزی منطقه‌ای داشت، زیرا نگاه خرد و موضعی تنها به تسکین موقت معضل و یا تقلیل آن کمک می‌کند. اگر از منظر تحلیلی و علت‌یابی به موضوع مهاجرت‌های استان نگریسته شود، چند موضوع به روشنی استنباط می‌شود:

- مهاجران وارد شده به استان عمدتاً به شهرستان‌های بزرگ و برخوردار استان مهاجرت کرده‌اند.

- کم‌ترین پذیرش مهاجر در شهرستان‌های شمالی استان و جنوب شرقی استان است که همواره در محرومیت بوده‌اند و عمدتاً یک جامعه کاملاً روستایی هستند.

- بخش عمده‌ای از مهاجرت‌های خارج شده از استان یا مهاجرت‌های درون منطقه‌ای از شهرستان‌های محروم فوق‌الذکر است.

- ارتباط کاملاً مثبتی بین درجه برخورداری شهرستان با میزان جذب مهاجر وجود دارد. جمع‌بندی وضعیت استان از نظر جابه‌جایی میان منطقه‌ای حاکی است:

- استان آذربایجان شرقی همواره در دهه‌های اخیر جزو مهاجرفرست‌ترین استان‌های کشور محسوب می‌شد. به استثنای سال ۶۵ که استان خوزستان به دلیل جنگ، مهاجرفرست‌ترین استان کشور بوده است.

- مقصد عمده مهاجرت‌های استان آذربایجان شرقی به استان تهران می‌باشد که نزدیک به ۶۰ درصد مهاجران استان را شامل می‌شود. این موضوع می‌تواند به دلیل فرصت‌های شغلی بهتر، خدمات بهتر و یا پیوندهای اجتماعی و خانوادگی باشد.

- مبدأ عمده مهاجرت‌ها به استان آذربایجان شرقی، تهران و آذربایجان غربی می‌باشد که مهاجرت از مبدا تهران به دلیل روابط اجتماعی قوی و شکل‌گیری پیوندهای اجتماعی و

از مبدا استان آذربایجان غربی به دلیل نزدیکی و همجواری و قرابت‌های فرهنگی و قومی است.

- بیش از سه چهارم تبادل جمعیتی استان با استان تهران، آذربایجان غربی، اردبیل، خوزستان، قم و کردستان می‌باشد.

جمع‌بندی وضعیت استان از نظر جابه‌جایی درون منطقه‌ای نیز حاکی است:

- شهرستان اهر مهاجرفرست‌ترین و شهرستان تبریز مهاجرپذیرترین شهرستان استان می‌باشد.

- مقصد عمده مهاجران شهرستان تبریز می‌باشد که بیش از نصف پذیرش مهاجران از سایر شهرستان‌ها را به خود اختصاص داده است.

- بیش از نصف مبدأ مهاجران درون منطقه‌ای شهرستان اهر، تبریز و مراغه می‌باشد.

- در سطح استان آذربایجان شرقی تنها چند شهرستان واقع در حاشیه شرقی و شمالی دریاچه ارومیه دارای خالص مهاجرت مثبت هستند و بقیه مناطق دارای خالص مهاجرت منفی می‌باشند.

- منطقه شمال شرق استان آذربایجان شرقی شامل شهرستان‌های اهر، کلیبر و ورزقان دارای بیش‌ترین خالص مهاجرت منفی است.

چنین ترکیبی از روندها و تجمع‌ها و عدم وجود تعادل در توزیع مهاجرت‌ها بین استان‌ها و شهرستان‌های مختلف باعث ظهور مشکلات عدیده‌ای مثل حاشیه نشینی برای کلان‌شهرها، ناهنجاری‌های اجتماعی، مشکلات مسکن و... گردیده و اقتصاد منطقه‌ای نیز دچار تزلزل گشته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد ورود مهاجران عمدتاً به شهرستان‌های بزرگ استان بوده و شهرستان‌های بزرگ هم پذیرای خالص مهاجرت منفی سایر استان‌ها به استان آذربایجان شرقی بوده‌اند و هم پذیرای مهاجران شهرستان‌های محروم استان. همین امر عدم تعادل زیادی در توزیع جمعیت به وجود آورده است و تبعات آن نیز بر پیکره نظام شهری استان کاملاً پیداست که نمود اصلی

آن کلان‌شهر تبریز با بیش از ۱.۴ میلیون نفر جمعیت و حدود ۶۰ درصد امکانات استان می‌باشد.

در جهت ایجاد ثبات در مهاجرت‌های روستا شهری در داخل استان و جلوگیری از تخلیه روستاها می‌توان راهکارهایی ارائه داد. در مرحله اول بایستی مطالعات دقیقی از علل مهاجرت در شهرها و روستاهای استان صورت گیرد. به احتمال بسیار زیاد علل مهاجرت از روستاهای استان به موضوع ضعف امکانات خدماتی برمیگردد که با تأثیر رسانه‌ها در افزایش انتظارات عمومی از زندگی استاندارد در مراکز مختلف شهری و روستایی، و عدم امکان تامین آن در محیط‌های روستایی، عمدتاً قشر جوان برای یافتن فرصت‌های زندگی بهتر به شهرها مهاجرت می‌کنند. بنابراین در مرحله اول ضروری است شناخت کاملاً دقیق از کمیت و کیفیت این موضوع صورت گرفته و متناسب با آن سیاست‌گذاری مناسب صورت گیرد.

به نظر می‌رسد، موضوع کم رونقی کشاورزی هم از جمله موضوعات و علل موثر بر مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک باشد. به احتمال بسیار زیاد کارشناسان بر روی ضعف بنیان‌های اقتصادی در جوامع روستایی و شهرهای با کارکرد کشاورزی و تأثیر آن بر تقویت انگیزش مهاجرت اتفاق نظر داشته باشند، این موضوع باید در تحقیقات تفصیلی مورد بررسی قرار گیرد.

آنچه که در پایان لازم است تأکید شود، این است که موضوع مهاجرت یکی از پیچیده‌ترین موضوعات علمی موجود در جوامع شهری و روستایی ایران است، زیرا در شکل‌گیری آن عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی نقش دارند و رسانه‌ها در دهه‌های اخیر جاذبه زندگی شهری به خصوص زندگی در کلان‌شهرها را به شدت افزایش داده و نقش مهمی در شکل‌گیری الگوی مهاجرت به کلان‌شهرها داشته‌اند.

منابع

۱. آیرملو، رضا (۱۳۶۵)، *مهاجرت از روستاها به شهرها ایران*، مجله رشد آموزش جغرافیا، سال دوم، شماره ۸ و ۹.
۲. اکبرپور سراسکانرود، محمد؛ میرزاجانی، مهدیه (۱۳۸۹)، *تحلیل عملکرد شهرهای جدید در نظام شهری کشور*، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد مرودشت، شماره اول، صص ۱۵۰-۱۳۱.
۳. ایران محبوب، جلیل (۱۳۸۳)، *بررسی تأثیر متقابل فرایند افزایش جمعیت و شهرنشینی در ایران (۱۳۳۵-۱۳۷۵)*، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
۴. ایمان، محمدتقی (۱۳۶۹)، *مهاجرت در کشورهای جهان سوم*، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره اول، شماره ۱.
۵. پورآقایی، عبدالله (۱۳۸۵)، *علل شکل‌گیری اسکان غیر رسمی در شهر رشت و راهکارهای ساماندهی آن*، مجله چشم‌انداز جغرافیایی، رشت، دانشگاه آزاد رشت، شماره ۲، صص ۶۶-۴۵.
۶. تقوی، نعمت‌اله (۱۳۸۳)، *بررسی مهاجرت‌های میان منطقه‌ای و درون منطقه‌ای و روستا-شهری در استان آذربایجان شرقی*، آذربایجان شرقی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
۷. _____ (۱۳۷۱)، *مهاجرت‌های روستا-شهری، درآمدی جامعه‌شناختی بر نظریه‌های مهاجرتی*، تبریز، انتشارات ستوده.
۸. تودارو، مایکل، (۱۳۸۳)، *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، ترجمه غلامعلی فرجادی. تهران، انتشارات کوهسار.
۹. جمشیدی‌ها، غلامرضا. علی بابایی، یحیی (۱۳۸۱)، *بررسی عوامل موثر بر بازگشت مهاجران افغانی با تکیه بر ساکنان شهرک گلشهر مشهد*. نامه علوم اجتماعی شماره ۲۰.
۱۰. حاج حسینی، حسین (۱۳۸۵)، *سیری در نظریه‌های مهاجرت*، فصل‌نامه راهبرد، شماره ۴، صص ۴۶-۳۵.
۱۱. خاکپور، براتعلی، بیرانوندزاده، مریم، رستم گروانی سرخ کمال، ابراهیم (۱۳۹۰)، *اسکان*

- غیررسمی، ناهنجاری شهری و راهکارهای تعدیل آن، نمونه موردی شهرک توحید بندرعباس، مجله فضای جغرافیایی، دانشگاه آزاد اسلامی اهر، سال یازدهم، شماره ۳۴، صفحات ۱۵۶-۱۸۱.
۱۲. داودپور، زهره؛ اردلان، داریوش (۱۳۸۷)، بررسی تطبیقی عوامل مؤثر بر گسترش شهرهای بزرگ و میانی، مجله هویت شهر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، سال دوم، شماره سوم، پاییز و زمستان، صفحات ۷۲-۶۳.
۱۳. رهنمایی، محمد تقی؛ محمدپور، صابر؛ اسکندری، حافظ (۱۳۸۹)، تحلیل تقاض مهاجرت در زمینه سازی برای پیدایش آسیب های اجتماعی شهرنشینی شتابان در ایران، فصل نامه جغرافیای انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی گرمسار سال سوم، شماره اول، صفحات ۱۷۵-۱۵۷.
۱۴. زنجانی، حبیب الله (۱۳۸۰)، مهاجرت، تهران، انتشارات سمت.
۱۵. _____ (۱۳۸۸)، سخنرانی در کنفرانس مهاجرت در ایران، ۶-۵ اسفند، تهران، دانشگاه علوم پزشکی.
۱۶. سجادی، ژیلا؛ ابراهیم زاده عیسی؛ شمس الدینی، علی (۱۳۹۰)، تحلیلی بر مهاجرت های روستایی شهری با تأکید بر نقش مسافت و دسترسی مورد شهرستان ممسنی، مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، سال دوم، شماره هشتم، صفحات ۷۷-۹۴.
۱۷. شمس الدینی، علی؛ شکور، علی؛ رضایی، محمدرضا؛ پناهی، لیلیا (۱۳۹۰)، تحلیل جغرافیایی بر جریانات متقابل روستایی و شهری مطالعه موردی مرودشت و روستاهای پیرامون، فصلنامه آمایش محیط، شماره ۱۲، صفحات ۹۹-۷۹.
۱۸. شیخی، محمد تقی (۱۳۸۰)، جامعه شناسی شهری، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۹. عظیمی، ناصر؛ مولایی، نصرالله؛ بقایی، حکمت؛ حسینی، حسن (۱۳۹۰)، تحول نظام شهری سنتی منطق مرکزی گیلان به نظام شهری روزانه (DUS)، مجله چشم انداز جغرافیایی، دانشگاه آزاد رشت، شماره دهم، صفحات ۳۶-۱۱.
۲۰. عنابستانی، علی اکبر، عنابستانی، زهرا (۱۳۸۹)، راهبردهای کالبدی گسترش حاشیه نشینی در شهر سبزوار، مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد مرودشت، شماره اول، صفحات ۸۴-۶۵.
۲۱. لوکاس، دیوید؛ پاول میر (۱۳۸۱)، درآمدی بر مطالعات جمعیتی، ترجمه حسین محمودیان،

تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۲۲. لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸)، *نظریه‌ها مهاجرت، شیراز، انتشارات نوید.*
۲۳. مدد، محمد (۱۳۸۸)، *سخنرانی در کنفرانس مهاجرت در ایران، ۶-۵ اسفند، تهران، دانشگاه علوم پزشکی.*
۲۴. مرکز آمار ایران، *سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵.*
۲۵. مشهدی زاده دهاقانی، ناصر (۱۳۷۳)، *تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری ایران، تهران، دانشگاه علم و صنعت.*
۲۶. وثوقی، منصور (۱۳۶۶)، *ارزیابی نقش مهاجرت در توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران، اطلاعات سیاسی، اقتصادی، سال دوم، شماره ۲، ص ۵۸.*

27. Cliggett, Lisa (2000), *Social Components of Migration. Experiences from Southern Province, Zambia*, Human Organization.
28. Kammeyer, K. C. W. (1945), *Population Studies, Selected Essays and Research*, Chicago, Rand McNally College Publishing Company.
29. Lee, E. S. (1966), *A Theory of Migration*, Demography, 3 (1), pp:47-57.
30. Tervo, Hannu (1997), *The Efficiency of Inter regional Migration in Finland*, European Regional Science Association, 37th European Congress, Rome-Italy.
31. Weinberg, A. (1961), *People on the Move*, Studies on Internal Migration